

An important analytical study of exercise and health in the verses of the Holy Quran and Islamic narrations

Hosein Andalib: Department of Islamic Studies, Qo.C, Islamic Azad University, Qom, Iran.
hoseinandalib@iau.ac.ir

Marim Yasini Nasab: Department of Islamic Theoretical Foundations, Qom, Islamic Azad University, Qom, Iran.

Abstract

Sports have been in the spotlight as one of the most important factors in maintaining human health and well-being. Scientific societies and disciplines related to sports science are one of the well-known disciplines in scientific and academic centers around the world. In this regard, the religious perspective on sports holds a special place because if the importance of sports is examined and analyzed from the perspective of Islam, we will witness more motivation and encouragement of the general public to sports. Therefore, the main question of the present study is: "What is the importance and position of sports from the perspective of the verses of the Holy Quran and Islamic narrations?" Also, other questions that are facing the present research include: What examples of sports are emphasized by the revealing religion of Islam? What are the rules and principles governing sports? What is Islam's view on emerging sports? How can the legitimacy of new examples of sports be inferred from religious sources? What are the moral principles and ethics governing sports from the perspective of Islam? Is there a solution for betting and wagering, winning and losing in such competitions? And if the prize is determined by institutions, clubs and government organizations, what is the ruling on it? In this research, a documented answer based on verses, narrations and Islamic jurisprudence is provided for the above questions. The research method is descriptive-analytical.

Keywords: Sports, legitimacy of sports, verses of the Holy Quran, narrations, Islamic jurisprudence, sports competitions.

Received: 2024/02/29 ; **Revised:** 2024/05/01 ; **Accepted:** 2024/06/18; **Published online:** 2024/06/25

Article type: Research Article

Publisher: Qom Islamic Azad University

© the authors



بررسی تحلیلی اهمیت ورزش و سلامت در آیات قرآن کریم و روایات اسلامی

حسین عندلیب: گروه معارف اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

hoseinandalib@iau.ac.ir

مریم یاسینی نسب: گروه مبانی نظری اسلامی، قم، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

چکیده

ورزش به عنوان یکی از مهمترین عوامل حفظ سلامت و تندرستی انسان در کانون توجهات قرار گرفته است. مجامع علمی و رشته های مرتبط با علوم ورزشی یکی از رشته های شناخته شده مراکز علمی و دانشگاهی دنیا است. در این بین نگاه دین به مقوله ورزش از جایگاه ویژه ای برخوردار است چرا که اگر اهمیت ورزش از دیدگاه اسلام بررسی و تحلیل گردد انگیزه سازی و تشویق بیشتر عموم مردم به ورزش را شاهد خواهیم بود. بنابراین پرسش اصلی پژوهش حاضر عبارت است از اینکه: « ورزش از دیدگاه آیات قرآن کریم و روایات اسلامی چه اهمیت و جایگاهی دارد؟ » همچنین پرسش های دیگری که فراروی پژوهش حاضر است از جمله اینکه چه مصادیقی از ورزش مورد تاکید دین مبین اسلام قرار گرفته است؟ ضوابط و اصول حاکم بر ورزش چیست؟ دیدگاه اسلام در خصوص ورزش های نوپیدا چیست؟ چگونه می توان از منابع دینی مشروعیت مصادیق جدید ورزش را استنباط کرد؟ آداب و اصول اخلاقی حاکم بر ورزش از دیدگاه اسلام چیست؟ آیا راه حلی برای شرط بندی و گروگذاری، برد و باخت در این گونه مسابقه ها وجود دارد؟ و در صورت تعیین جایزه از سوی نهادها، باشگاهها و سازمانهای دولتی، حکم آن چیست؟ در این پژوهش پاسخی مستند به آیات و روایات و فقه اسلامی برای پرسش های فوق ارائه می گردد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است.

واژگان کلیدی: ورزش، مشروعیت ورزش، آیات قرآن کریم، روایات، فقه اسلامی، مسابقات ورزشی.

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم © نویسندگان.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۷/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۶/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵

مقدمه

ورزش به عنوان یکی از مهمترین عوامل حفظ سلامت و تندرستی انسان در کانون توجهات قرار گرفته است. مجامع علمی و رشته های مرتبط با علوم ورزشی یکی از رشته های شناخته شده مراکز علمی و دانشگاهی دنیا است. در این بین نگاه دین به مقوله ورزش از جایگاه ویژه ای برخوردار است چرا که اگر اهمیت ورزش از دیدگاه اسلام بررسی و تحلیل گردد انگیزه سازی و تشویق بیشتر عموم مردم به ورزش را شاهد خواهیم بود.

بنابراین پرسش اصلی پژوهش حاضر عبارت است از اینکه: « ورزش و سلامت از دیدگاه آیات قرآن کریم و روایات اسلامی چه اهمیت و جایگاهی دارد؟ »

برای پاسخ به این پرسش باید منابع دینی قرآن و روایات و سیره معصومین در خصوص امر ورزش مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. همچنین پرسش های دیگری که فراروی پژوهش حاضر است این است که چه مصادیقی از ورزش مورد تاکید دین مبین اسلام قرار گرفته است؟ ضوابط و اصول حاکم بر ورزش چیست؟ دیدگاه اسلام در خصوص ورزش های نوپیدا چیست؟ چگونه می توان از منابع دینی مشروعیت مصادیق جدید ورزش را استنباط کرد؟ آداب و اصول اخلاقی حاکم بر ورزش از دیدگاه اسلام چیست؟ در این پژوهش سعی بر آن است تا برای پرسش های مطرح شده پاسخی مستند به آیات و روایات اسلامی جستجو و ارائه گردد.

جایگاه ورزش در اسلام

برای بررسی جایگاه ورزش از دیدگاه اسلام به این نکته مهم باید توجه داشت که اولین چیزی که روز قیامت از بنده سوال می شود این است آیا بدن سالم به توندادم؟ (آثارالصادقین ج ۱۰ ص ۲۹۶) چرا مراعات صحت نکردی؟ چرا از آن مراقبت نکردی؟ چرا اولین ظلم رادرحق خودت کردی؟ چرا برای خودت ارزش قایل نبودی و...

برخلاف آنچه برخی تصور می کنند و از آن کناره میگیرند، ورزش، سلامتی و تفریحات سالم، جزء پرتکرارترین و پراهمیت ترین دستوراتی باشد که می توان در کلام معصومین پیدا کرد؛ از این رو اهمیت ورزش بیشتر مطرح می شود.

ورزش نه تنها مذموم و مصداق اتلاف عمر و لهر و لعب نیست بلکه مورد اشاره و تصدیق و تشویق ائمه اطهار(ع) نیز بوده است و ایشان شیعیان خود را به ورزش و تقویت قدرت نیز امر کرده اند.

وقتی پیامبر گرامی می فرمایند: العلم علم الادیان و علم الابدان (بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۰) این علم یعنی علم بدن و علمی که باعث حفظ سلامتی و تندرستی می شود نباید صرفاً آن را به علم پزشکی تفسیر کرد، در واقع ایشان علوم را به دو دسته تعریف کردند، یکسری علوم و دانش حقیقیه و معارف هستند که دراهمیت و نشر آن هیچ شک و شبهه ای نیست و اما دسته ی دیگر علمی است که شامل علوم پزشکی، بهداشت و درمان، اصول تغذیه و سلامت و علوم ورزشی که باعث حفظ سلامت بدن میشود و می تواند باعث طولانی تر شدن عمر مومن شود. و این امر یعنی حفظ سلامتی و طول عمر کم مساله ای نیست هم طبیعتاً هرانسانی خواستاران است و هم در ادعیه ما وارد شده که از خدا بخواهید و طلب کنید و در این صورت است که انسان می تواند زمان بیشتری را برای عبادت خود بخرد.

از این رو ورزش یه عنوان بارزترین مصداق سلامتی و تندرستی نه تنها کمتر از علوم پزشکی و بهداشتی و طب های سنتی نیست بلکه به عنوان نسخه ای پیشتر، جلوتر و فراگیرتر جایگاه مهم خود را نشان می دهد.

در کنار روایات زیادی که در این باب آمده و شاید زیاد شنیده باشیم، این بار قصد داریم به حدیثی اشاره کنیم که شاید کمتر به گوشمان رسیده باشد؛ حدیثی که به صراحت کامل تشویق و ترغیب به بازی کرده و علت آن را نیز ذکر می کند چرا که پشت همه ی افعال مومن فلسفه و حکمتی خوابیده است. رسول خدای فرماید: *الهووالعبوفانی* اگر ان یری فی دینکم غلظه^۰ (غرر الحکم ج ۴ ص ۳۵۶)

تفریح و بازی کنید (امر هست) زیرا دوست ندارم در دین شما خشونت دیده شود. امر به تفریح و بازی کاملاً صریح بوده گویا بازی و تفریح باعث جذب به دین میشود به خصوص برای قشر کودکان، نوجوانان و جوانان. این جذابیت و هیجان مثبت، برخلاف خشونت و غلظتی است که ممکن است از سوی افراد سالخورده و خشک مقدس ها دیده شود و باعث تنفر و دوری مردم از دین شده و یک دافعه ای ایجاد کند.

بنابراین شادی، فرح و تفریح سالم ممدوح بوده و مورد ستایش. همانگونه که می بینیم مقام معظم رهبری و بسیاری از علمائیز به خصوص در ایام تعطیلات اوقات خود را تقسیم کرده و مقداری از آن را صرف سلامتی و تندرستی می کنند. به کوهنوردی و طبیعت رفته و آیات الهی را نظاره می کنند. این خودش عین عبادت است. علاوه بر آن، با گردش خون و حرکات کششی و ورزشی، طول عمر بیشتری پیدا کرده و بانشاط و زمان بهتر و با کیفیت تری، زندگی سالم، طولانی و زیباتری را برای خود و خانواده ی خود رقم می زنند. خوشبختانه حال این افراد که هم در دنیا و هم در عقبی رضایت خدا و خانواده ی خود را به دست آورده و به جای غیبت و گناههای زبانی دیگر، از زندگی خود حظ کامل را برده اند.

در روایتی دیگر میبینیم که بدن هم حقی دارد. قال رسول الله: ان لربک علیک حقوان لجسدک علیہ حقوا و لاهلک علیک حقا: (بحار الانوار ج ۷۰ ص ۱۲۸) پروردگارت بر توحقی دارد و بدنت بر توحقی دارد و خانواده ات (نیز) بر توحقی دارد.

اینطور نیست که بگوییم بدن خودمان هست هر کار که دوست داریم با او می کنیم. نه. بدن هم حقوقی دارد همانطور که بقیه نیز حقوقی دارند و مابایت ان نیز باز خواست می شویم. لذا مثلا حق خودکشی نداریم حق آزار رساندن به بدنمان را و این حق انقدر محترم است که خداوند حکیم و قدرتمند نیز آن را به احکامش ترجیح داده مثلا در روزه گرفتن گفته اگر به بدنت ضرر برسد نباید یعنی حرام است که روزه بگیری یا مثلا زمانی که آب ضرر دارد وضوی جبیره یا تیمم کن و...

پیامبر اکرم در روایتی دیگر نیز آن را از حقوق فرزند دانسته و آموزش ورزش هایی مثل تیراندازی و شنارد کردن نوشتن از حقوق کودکان بر والدین می داند: قال رسول الله: حق الولد علی والده ان یعلمه الکتابه والسباحه والرمایه وان لایرزقه الا طیباً (کنز العمال: ۴۵۳۴۰، میزان الحکمه ج ۱۳ حدیث ۴۱۴۸) حق فرزند بر عهده ی پدرش این است که به او نوشتن و شنارد کردن و تیراندازی را آموزش دهد و روزی او را تنها از راه حلال و پاکیزه تهیه نماید.

در جایی دیگر پهلوان دوست داشتنی توصیف شده و می فرمایند: ان الله یحب الرجل القوی (بحار الانوار ج ۶۴ ص ۱۸۴) خدا انسان قوی و نیرومند را دوست دارد. و یا در جایی دیگری فرماید: طوبی لمن اسلم و کان عیشة کفافا و قواه شدادا (بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۶۷)

خوشباه حال کسی که (اول) اسلام را پذیرفته و به قدر معاش خود درآمد دارد و قوای بدنش نیرومند است. -چاقی- یکی از عوارض تغذیه نادرست و عدم فعالیت کافی است که خودش ام الامراض بوده و مادر تمام بیماریهاست و میتواند در دسرهای زیادی درست کند. امام صادق در خلال مثالی ما را از چاق شدن منع نکرده و می فرماید: ولا تسمنوا تسمن الخنازیر للذبح (کافی ج ۶ ص ۲۰۷ -والحیاء ج ۴ ص ۲۰۶): از چاق شدن همتند خوکهایی که برای ذبح، چاق و نگه اری می کنند، پرهیزید.

جایگاه سلامت در اسلام

در اسلام، احادیث و رهنمودهای فراوانی از بزرگان دین، جهت حفظ صحت و تقویت بدن و پرداختن به آن وارد شده است؛ از جمله می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

"الصَّحَّةُ أَفْضَلُ النَّعْمِ؛ صحت و سلامتی از هر نعمت دیگری بهتر و ارزشمندتر است". (غرر الحکم : ۱۰۵۰)

"العجب لغفلة الحساد عن سلامة الاجساد؛ از این که حسودان در فکر سلامتی خویش نیستند، سخت در شگفتم". (نهج البلاغه حکمت ۲۲۵)

"و انّ لبدنک علیک حقاً؛ بی شک بدن تو بر تو حقوقی دارد (که باید آنها را ادا کنی و به آن رسیدگی نمایی)". (بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۱۲۸).

"المومن القوی خیر و احب من المومن الضعیف؛ مومنی که قوی و نیرومند باشد، در نظر من از مومنی که ضعیف باشد بهتر و دوست داشتنی تر است". (کنز العمال : ۱ / ۱۱۵ / ۵۴۰).

در اسلام، حفظ صحت و سلامت واجب شمرده شده است. حتی اگر عباداتی، مانند نماز و روزه، برای انسان مضر باشد، نه تنها جایز است ترک شود، بلکه واجب است که ترک شود و در چنین مواردی، کار واجب به کار حرام مبدل می گردد.

از نظر اسلام، چنانچه کسی به سلامتی دیگران لطمه وارد کند، چنانچه عمدی باشد، باید به سختی مجازات شود و چنانچه عمدی نباشد نیز باید مجازات مالی شده و دیه آن عضوی را که آسیب دیده، به صاحبش بپردازد. همچنین در اسلام هر چیز زیان آوری که به جسم انسان لطمه وارد آورد، تحریم شده و این یک قاعده فقهی است که: "کلّ مضرّ حرام؛ هر چیزی که ضرر دارد، حرام است".

شهید مطهری در این مورد می نویسد: "جای شک و تردید نیست که تعلیمات اسلام بر اساس حفظ و رشد و سلامت جسم است. علت حرمت بسیاری از این امور، مضر بودن آنها به حال بدن است. یکی از مسلمات فقه، این است که بسیاری از این امور به این دلیل تحریم شده اند که برای جسم انسان ضرر دارند. یک اصل کلی هم برای فقها مطرح است که هر چیزی که محرز بشود که برای جسم انسان مضر است - ولو هیچ دلیلی از قرآن و سنت نداشته باشد - قطعاً حرام است. البته این را هم می گویند که زیانها بعضی «معتد به» هستند و بعضی «غیر معتد به»؛ یعنی زیان آن قدر کم است که قابل اعتنا نیست. اسلام در تکالیف خود حرج ایجاد نمی کند؛ یعنی این مقادارها را از نظر اسلام تحریم نمی کنند، به صورت مکروه ذکر می شود یا می گویند: ترکش مستحب است، ولی اگر یک چیزی زیانش قطعی باشد و مسلم بشود که زیان دارد، از نظر اسلام قطعاً حرام است...".

"اسلام آنجا که یک امر واجب (مانند روزه) احیاناً برای بدن مضر تشخیص داده شود، تکلیف آن را ساقط می کند، بلکه چنین روزه ای را حرام می داند. هر اعتیادی که برای بدن مضر باشد، از نظر اسلام حرام است. آداب و سنن بسیاری، در اسلام به خاطر بهداشت و سلامت بدن وضع شده است".

"در سنت، زیاد می بینیم که خوردن فلان میوه یا فلان سبزی، مثلاً مستحب است چون دندان ها را محکم می کند؛ دیگری فلان بیماری را از بدن بیرون می برد و این موارد در سنت زیاد است که ملاک یک حرام یا یک مستحب و با یک مکروه، زیان رساندن یا مفید بودن و یا مفید نبودن است. فلان چیز برای معده خوب است، مستحب است".

درخواست سلامت و قوه بدن از خداوند، جزء دعای مسلمانان است، چنانچه در دعای ابوحمزه ثمالی می خوانیم: "اللهم اعطني السعة في الرزق... والصحة في الجسم والقوة في البدن؛ خداوند! وسعت در روزی... و سلامتی در جسم و قوت و توانایی در بدن را به من ارزانی فرما!"

و به طور خلاصه، ارزش بدن و سلامت آن در اسلام به حدی است که بعضی از دانشمندان اسلامی گفته اند: پیامبران الهی در آغاز نبوت خود باید سالم و از نقص بدنی، دور و برکنار باشند.

میانۀ روی و اعتدال در ورزش

شاید شما نیز اخباری راشنیده باشید که از گرفتگی آنی، اسپاسم ورزشی و یا حتی ایست قلبی و مرگ گزارش می دهند. گاهی اوقات می شنویم که ورزشکاری در سن کم و جوانی در شرایط عالی و در صحت کامل به طور ناگهانی حین ورزش دچار ایست قلبی می شود و همه رابه تعجب و امی دارد.

اکثر ما انسانها دچار افراط و تفریط می شویم. یا اصلاً به سمت ورزش نمی رویم و دچار کسالت و خمودی می شویم طوری که دچار اضافه وزن، چاقی و انواع بیماریهای قلبی عروقی می شویم و یا از آن طرف بوم می افتیم و دیگر غرق در ماجرا می شویم. حرکات ورزشی سنگین و خستگی افراطی هم از دین ماطرد شده و «میانۀ روی و اعتدال» رکنی است که همیشه و همه جابه آن سفارش و تاکید شده است.... قال علی (ع): والیکن احب الامور الیک اوسطها فی الحق واعمها فی العدل (نهج الفصاحة ص ۱۰۵ - حدیث شماره ی ۵۳۱):

کاری که باید بیش از هر کاری دوست داشته باشی میانۀ روی در حق است و همگانی کردن آن در برابری و دادگری.

در حدیثی دیگر می خوانیم: فارح فیه بدنک و روح ظهرك (غرر الحکم ج ۵ ص ۱۱۸) اول شب (قبل از مسابقه) تن و مرکبت را آسوده بگذار. پس فشار بیش از اندازه هم درست نیست و نتیجه ی معکوس می دهد.

اصول و ضوابط حاکم بر ورزش از دیدگاه اسلام

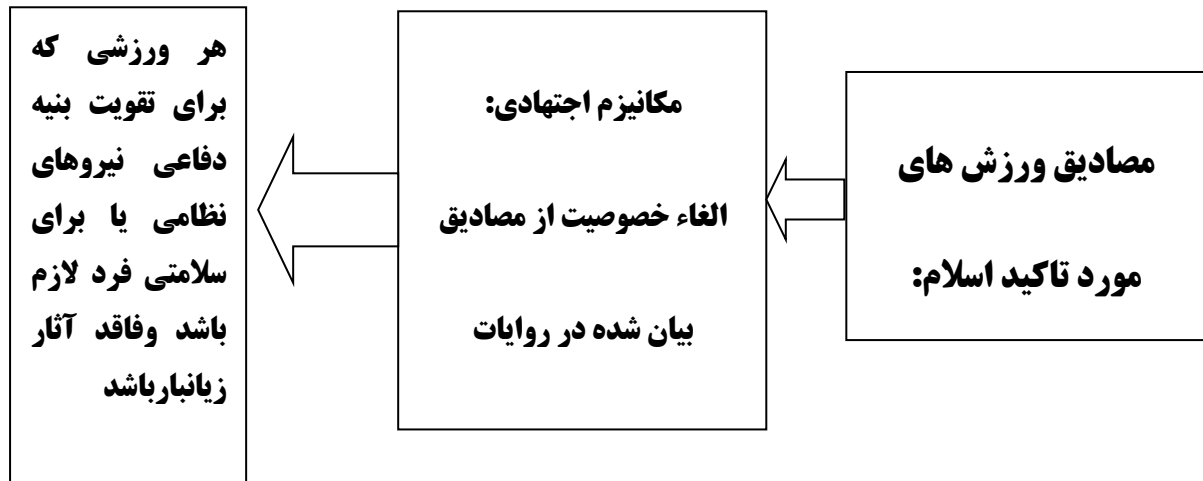
ورزش به عنوان یکی از رفتارهای بشری بدون تردید واجد حکم شرعی و اصول و ضوابطی می باشد. گاه ورزش برای سلامتی ضروری شناخته می شود و پزشکان برای فردی آن را ضروری و لازم می دانند به

عنوان مثال متخصص قلب و عروق برای بیماران قلبی، ورزش در آب و پیاده روی در استخر را لازم و ضروری می داند در این جا حکم وجوب بر این ورزش بار می گردد. یا ورزش برای نیروهای نظامی و انتظامی که از موارد اجباری و الزامی برای انجام ماموریت های محوله و حفاظت از تمامیت ارضی کشور اسلامی و مقابله با دشمنان اسلام می باشد و حکم شرعی وجوب نیز بر آن مترتب می گردد. قرآن کریم بر این حقیقت اشاره دارد که آنچه برای تقویت توان دفاعی در مقابل دشمنان لازم و ضروری است باید از سوی مسلمانان و در نگاه کلان تر از سوی حاکمیت اسلامی مورد تاکید و ترغیب قرار گیرد و این امر در زمره واجبات شرعی است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ» (انفال: ۶۰) و در برابر آنان آنچه در قدرت و توان دارید از نیرو [و نفرات و ساز و برگ جنگی] و اسبان ورزیده [برای جنگ] آماده کنید تا به وسیله آنها دشمن خدا و دشمن خودتان و دشمنانی غیر ایشان را که نمی شناسید، ولی خدا آنان را می شناسد بترسانید».

مفسرین در تفسیر این آیه به روایاتی اشاره کردند از جمله این که عقبه بن عامر رضی الله عنه گوید: شنیدم از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که بر منبر سه مرتبه فرمود: الا ان القوة الرمی. بدانید قوه تیر انداختن است، و شاید تخصیص حضرت قوه را بذکر، به جهت آن باشد که تیر و کمان اقوی سلاح است. شیخ ابو القاسم نصر آبادی گفته: مفسران در این آیه قوه را به معنی رمی تفسیر نموده، بلی چنین است اما رمی بر سه وجه باشد که یکی از آن ها این است که رمی ظاهر به تیر و کمان است. (تفسیر اثنی عشری، ج ۴، ص ۳۶۸).

همچنین باید به این نکته توجه داشت که نباید منحصر به تیراندازی و اسب دوانی دانست بلکه با مکانیزم اصولی و اجتهادی الغاء خصوصیت از این دو مصداق، هر آنچه که برای تقویت بنیه دفاعی نیروهای نظامی مسلمانان لازم باشد و همچنین برای سلامتی فرد مفید باشد و آثار زیان باری برای فرد یا جامعه نداشته باشد، باید انجام پذیرد. برخی از مفسرین نیز به این حقیقت اشاره داشته و نوشته اند: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ اگر چه در موضوع جهاد با مشرکین در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم وارد شده و لکن بمناط قطعی شامل میشود جمیع مراتب تقویت را در جمیع طبقات مسلمین که باید آنچه قوه و قدرت دارند در حفظ دین و دفع دشمنان دین کوشش کنند ... وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ اینکه هم بهمان مناط شامل تدارک اسلحه حرب هر چه مناسب وقت و زمان است میشود آنهم باید بقدری باشد که ایجاد رعب کند در قلوب آنها چنانچه در چندی قبل مشاهده شد یک زن قدرت نداشت روبند یا نقاب را عقب زند یا یک کوجه صدای ساز بلند شود حتی کفار در روز باران نمیتوانستند از منزلهای خود خارج شوند چه رسد

داخل در مساجد و معابد مسلمین شوند و امروز در اثر سستی و مسامحه مسلمین قضایا بر عکس شده {است}» (طیب، اطیب البیان، ج ۸، ص ۱۵۱).

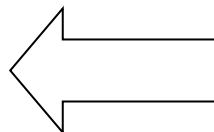


در بسیاری از موارد ورزش برای سلامتی انسان ضروری محسوب می شود لکن این ضرورت در حد وجوب نیست، و لذا از نظر شرعی مستحب موکد است.

در برخی موارد ورزش های نوپیدا باعث آسیب رساندن به جسم یا روح افراد می گردد. در اینجا از باب قاعده لاضرر (سیستانی، قاعده لاضرر و لاضرار، ۱۴۱۴ق، ص ۱۳۱-۱۳۳) و حرمت ضرر زدن به نفس که مورد اتفاق فقهای اسلام است این نوع ورزش ها نامشروع و حرام هستند. یا اینکه ورزش همراه با مقارنات و حواشی حرام مانند پوشش های نامناسب، ضرر زدن به دیگران، شرط بندی و برد و باخت و... صورت پذیرد. در این صورت نیز فعل حرام از سوی مرتکب انجام پذیرفته است.

بنابراین از نظر اسلام، ورزش باید به روح یا جسم فرد آسیب نرساند، برای افراد دیگر یا جامعه مضر نباشد و همراه با رفتارها و حواشی حرام نباشد.

دیدگاه اسلام درباره ورزش



۱- به روح و یا جسم فرد آسیب نرساند

۲- برای افراد دیگر یا جامعه مضر نباشد.

۳- همراه با رفتارها و حواشی حرام نباشد

مصادیق ورزش در اسلام

برخی از مصادیق ورزش به صورت خاص در مجموعه تراث ارزشمند اسلامی مورد تاکید قرار گرفته است البته این بدان معنا نیست که مصادیق نوپیدای ورزش فاقد مشروعیت باشد بلکه با توجه به ترسیم اصول و ضوابط حاکم بر ورزش که در پیوند قبلی مورد بحث و تبیین قرار گرفت می توان مصداق یابی را در زمان های مختلف انجام داد. به هر روی در ادامه مصادیقی که در اسلام مورد تاکید قرار گرفته است مورد بررسی قرار می گیرد.

-الف) کشتی:

کشتی گرفتن به عنوان یک ورزش پهلوانی و رزم آزمایی ازمانهای دورمطرح بوده و در دین اسلام نکوهش نشده است. در روایتی می بینیم که پیامبر از کنار دو مردی که کشتی می گرفتند عبور نموده و آنها را سرزنش نکردند. (غرر الحکم ج ۵ ص ۱۱۸).

ایشان حتی نه تنها سرزنش نمی کردند بلکه در مواردی تشویق به کشتی گرفتن و مسابقه دادن نیز می کردند و در داستانی از امام صادق نقل شده است که شبی پیامبر به خانه فاطمه (س) وارد شده و امام حسن و امام حسین نیز ک (که در سنین کودکی بودند) همراه ایشان بودند. آن حضرت خطاب به آن دو فرمود : بپا خیزید و کشتی بگیرید. آنها نیز برخاسته و به کشتی پرداختند. حضرت فاطمه که برای کاری از اتاق خارج شد

متوجه شد پیامبر امام حسن راتشویق می کند و می فرماید: حسن بپیر حسین رامحکم بگیر و به زمین بزن. باتعجب عرض کرد: پدر جان. این بسیار عجیب است که شما حسن راتشویق میکنید تا حسین راشکست دهد. چگونه شما پسر بزرگتر را تشویق می کنید تا پسر کوچک تر را شکست دهد؟ پیامبر فرمود: آیا تورا ضعی نمی شوی من بگویم «حسن، حسین را به زمین بزن» درحایکه دوستم جبریل اینجا ایستاده و می گوید: «حسین، حسن رامحکم گرفته و به زمین بزن»؟ (الاسلام والطب ص ۲۶۳. حجتی، مسایل تربیتی اسلام، ص ۱۴۱)

در این داستان که به نقل از امام صادق و از پدران بزرگوارشان بوده، به خوبی شاهد تشویق کودکان برای به پاخیزی جهت کشتی گرفتن باهم و ایجاد مسابقه و رقابت و هیجان هستیم. مسابقه ای که با هواداری از دو طرف و حریف همراه است و برخلاف آداب ظاهری که باید کوچک تر و ضعیف تر تنها مانده و او بیشتر هم تشویق شود، می بینیم که حضرت محمد و جبریل فرستاده خدایان دو «حق» که حسن و حسین (علیهما السلام) باشند، چگونه ایجاد رقابت و مبارزه طلبی و تمرین برای تقویت جسمی آنان میکنند و مانند یک مکربی، هدایت می کنند و راهکاری دهند که او را بگیرد و به زمین بزن. بدون آسیب و ضربه های محکمی که بخواهد ایجاد ناراحتی کند.

وقتی بادقت دوباره داستان را مرور می کنیم متوجه می شویم در یکایک این اتفاقات و کلمات، درس هایی نهفته است که در قالب داستان و خلاصه و موجز به ما داده شده است. عاطفه ی مادری حضرت زهرا، مشغولیت کاری و اتفاقی وارد شدنشان، چگونگی اعتراض و برخوردشان با پدر و پاسخ زیبای پیامبر همه و همه درس های دیگری هستند که در خلال داستان ذکر شده و قابل توجه و تأمل اند.

(ب) شنا:

شنا بهترین سرگرمی است. آب درمانی، علاوه بر نشاط پوستی، نشاط عضلانی و ماهیچه ای را به همراه دارد و باعث کاهش دردهای عضلانی می شود.

شنا یکی از کامل ترین ورزشهایی است که در آن تمام جوارح و اندام انسان به فعالیت واداشته می شود و برای تمام قسمت های بدن مفید و مثر است. حتی به گفته پزشکان اندام های داخلی بدن مثل شش ها، قلب و کبد تحت درمان و بهبودی قرار میگیرند و با توجه به مناسب بودن شنا برای هر گروه و سن و سالی با هر توان بدنی تجویز می شود حتی صرف راه رفتن در آن میتواند تا حد و زیادی به بیماران کمک کند. بیماریهای روحی و روانی را نیز تحت تاثیر قرار داده و با ایجاد نشاط و فرح ضد افسردگی معرفی می شود.

در روایتی از پیامبر می خوانیم: خیر الهوا لمومن السباحه بهترین سرگرمی برای مرد با ایمان «شنا» است. (نهج الفصاحه ص ۳۱۹- حدیث ۱۵۲۷)

ج-اسب سواری:

اسب و مرکب در اسلام زیاد مورد توجه قرار گرفته و در روایات متعددی از آن صحبت به میان آمده است که جهت طولانی نشدن بحث، به تعدادی از آنها اشاره می کنیم.

امام باقری فرمایند که رسول خدا مسابقه اسب دوانی ترتیب داد و جوایز آن را از مال خویش پرداخت نمود. قال الباقر: ان الرسوا (ص) سابق بین الخیل واعطى السوابق من عنده (وسائل الشیعه ج ۱۳ ص ۳۵۱) یادروایتی دیگر از امام سجادی خوانیم: ان الرسول اجرى الخیل وجعل سبقها و اوقی فی الصحه. رسول خدا در مسابقه اسب دوانی اسب دوانید و جایزه اش را چندین آق از نقره قرارداد (وسائل الشیعه، ج ۱۳ ص ۳۵۰)

د-تیراندازی:

درباب رمی و تیراندازی روایات زیاد و حتی آیاتی داریم که به بعضی از آنها اشاره می کنیم. امام جعفر صادق فرمود: الرمی سهم من سهام الاسلام. تیراندازی از تیرهای اسلام است. (وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۴۸)

اگر مسلمانان تیراندازان ماهر و حاذقی داشته باشند، می توانند قوی تر باشند و روبه روبرو شده و مبارزه کنند و دشمن نیز از آنها خواهد ترسید و فکر حمله به آنها را به مغز خود راه نخواهد داد. تیراندازی مظهر قدرت یک مسلمان است؛ پیامبر اکرم می فرمایند: الان القوه الرمی، الان القوه الرمی آگاه باشید (یکی از مصادیق قوه درآیه ی واعدولهم ما استطعتم من قوی) همان تیراندازی است. آگاه باشید «قدرت» همان تیراندازی است. (بحار الانوار ج ۱۰۳-۱۰۴، والحياء ج ۵ ص ۷۱ به نقل از تفسیر مجمع البیان)

در حدیثی دیگر می خوانیم: من ترک الرمی بعد ما علمه الرغبة عنه فانها نعمه کفرها. کسی که بعد از یاد گرفتن تیراندازی از روی میل و رغبت، آن را ترک کند، نعمتی از نعمت های خدا را کفران کرده است. (میزان الحکمه ج ۴ ص ۱۸۲)

تیراندازی نیز مانند شنا یکی از بهترین سرگرمی هاست که می تواند مخصوصا برای جوانان بسیار جذاب بوده و به عنوان ورزش مورد توجه و افری قرار بگیرد. در این خصوص حضرت محمد (ص) می فرمایند: علیکم بالرمی، فانه من خیر لهوکم. به تیراندازی روی آورید زیرا یکی از بهترین سرگرمی هاست. (میزان الحکمه ج ۴ ص ۱۸۳)

همچنین اهمیت اسب سواری و تیراندازی را می توان از جواز شرط بندی در این ورزش ها استنباط کرد. چرا که از نظر اسلام شرط بندی و قمار حرام است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده: ۹۰) ای اهل ایمان! جز این نیست که همه

مایعات مست کننده و قمار و بت هایی که [برای پرستش] نصب شده و پاره چوب هایی که به آن تفأل زده می شود، پلید و از کارهای شیطان است؛ پس از آنها دوری کنید تا رستگار شوید.» لکن در اسب سواری و تیراندازی شرط بندی مجاز شمرده شده است که چرا که باعث افزایش آمادگی دفاعی عموم مسلمانان و سپاهیان اسلام در مقابله با دشمن می شود. (ر.ک: نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۸، ص ۲۱۲) و قرآن کریم نیز با فرمان عمومی بر افزایش توان دفاعی مسلمانان تاکید کرده است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ» (انفال: ۶۰) و در برابر آنان آنچه در قدرت و توان دارید از نیرو [و نفرات و ساز و برگ جنگی] و اسبان ورزیده [برای جنگ] آماده کنید تا به وسیله آنها دشمن خدا و دشمن خودتان و دشمنانی غیر ایشان را که نمی شناسید، ولی خدا آنان را می شناسد بترسانید». همچنین می توان با الغاء خصوصیت از تیراندازی و اسب سواری مشروعیت سایر ورزش ها و اقداماتی که منجر به تقویت بنیه مسلمانان و سپاهیان اسلام می گردد را استنباط کرد.

هـ) پیاده روی:

حضرت علی می فرماید: در بامداد و عصر که هواخنک است راه پیمایی کن و در وسط روز (که هوا گرم است) مردم را (بر استراحت و آسایش) بازدار و آهسته بران. (تا ناتوانان نیز بتوانند همراه توانایان بیایند.) و سربردین و غور بالناس و رفته فی السیر (نهج البلاغه فیض السلام نامه ۱۲ ص ۸۵۶)

و) شمشیر و سپر:

اما صادق در تفسیر فرموده ی خداوند متعال «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» فرمودند منظور از (قوه) شمشیر و سپر است. (بحار الانوار ج ۱۰۳ ص ۱۹۱)

در جایی دیگر حضرت درهای بهشت را زیر سایه ی شمشیرهای دانند: ان ابواب الجنة تحت ظلال السيوف. (نهج الفصاحه ج ۵، حدیث ۵۷۶)

مشروعیت مصادیق نوپیدای ورزشی

پرسشهای فقهی فراوانی در زمینه ورزش های نو پیدا و مسابقات ورزشی مطرح است که باید پاسخ قابل اطمینانی از سوی فقیهان ارائه شود. پاره ای از این پرسشها در مشروع بودن و نبودن برخی از مسابقه ها مانند، اتومبیل رانی، موتورسواری، دیوار مرگ، بوکس و... می باشد.

پرسش دیگر این است که با توجه به آنچه شریعت اسلامی به عنوان مسابقه و شرط بندی و برد و باخت، پذیرفته است، آیا می توان با ملاکیابی، مواردی را به آنها افزود؟

آیا می توان گفت که نمونه های بیان شده در روایات، مربوط به زمان صدور روایات است (و تنها به عنوان نمونه از آنها نام برده شده است) تا بتوان در این زمان، در مسابقه با سلاحهای جدید و پیشرفته که برای دفاع و رزم از آنها استفاده می شود، شرط بندی نمود؟

آیا ورزشهایی همچون دو، کشتی، فوتبال، والیبال، قایقرانی، کاراته و... جایزند یا ناروا؟ و اگر مشروع هستند، آیا از دیدگاه شرع و فقه می توان در این موارد نیز مانند اسب دوانی و تیراندازی، برد و باخت کرد؟ سؤال دیگر این است که آیا انگیزه های ورزشکاران و بازیکنان در مشروعیت و عدم مشروعیت مسابقات، تأثیرگذار است؟

آیا راه حلی برای شرط بندی و گروگذاری، برد و باخت در این گونه مسابقه ها وجود دارد؟ و در صورت تعیین جایزه از سوی نهادها، باشگاهها و سازمانهای دولتی، حکم آن چیست؟ اگر افرادی که به عنوان بازیکن در مسابقات شرکت می کنند، مقداری پول پرداخت نمایند تا در پایان به گروههای پیروز پرداخت شود، این عمل در فقه چه حکمی دارد؟

با توجه به گستردگی پرسشهای فوق و اهمیت و نفوذ مسابقات در زندگی انسان و تأثیرگذاری آن در اجتماع، فقه پژوهان باید با موضوع شناسی و ژرف اندیشی، نظر شریعت و فقه را از منابع اسلامی بجویند و وظیفه شرع مداران را مشخص نمایند.

هرچند مشهور بر جواز سه ورزش اسب سواری، شتر دوانی و تیراندازی است لکن صاحب «حداث» از جمله فقیهانی است که مسابقه ها را منحصر در این سه مورد ندانسته و مسابقه و گروبنندی با پرندگان و کبوتران را نیز روا شمرده است. وی بر این باور است که عنوان قمار و لهو و لعب بر این بازیها، صدق نمی کند و برای اثبات نظر خویش روایات فراوانی را گواه می گیرد. (یوسف بحرانی، الحداث الناظره، دار الکتب الاسلامیه، نجف اشرف، ۱۳۷۷ ق، ج ۲۲، ص ۳۶۲). البته باید توجه داشت مسابقه پرندگان با امر مذموم کبوترپرانی و ایجاد مزاحمت برای شهروندان نباید اشتباه گرفت. چرا که از نظر شرعی ایجاد مزاحمت و ایجاد بوی متعفن و دیدزنی و پشت بام رفتن مداوم این افراد جایز نیست. لذا قانونگذار ایران نیز قانون تشدید مجازات کبوترپرانی را در سال ۱۳۵۱ تصویب کرد و در تاریخ ۱۳۵۱/۵/۸ یک تبصره به قانون فوق الذکر اضافه کرد. همچنین این اقدامات اگر طبق نظر کارشناسان اداره بهداشت «تهدید علیه بهداشت عمومی» محسوب گردد جرم محسوب شده است و طبق ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ مرتکبین به مجازات حبس تا یک سال محکوم خواهند شد.

شهیدثانی نیز در بررسی حدیث «لأسبق الا فی خوف او حافر او نصل» می گوید: «و چه بسا برخی آن (سبق) را به سکون بآه به عنوان مصدر قرائت کرده اند؛ یعنی این عمل تنها در سه مورد صحیح است و غیر آن جایز نیست. از این رو در مسابقات به صورت؛ دویدن، پرتاب سنگ و برداشتن آن و کشتی گرفتن و با وسایلی که مشتمل بر تیر است ولی بدون عوض است، اختلاف نظر رخ داده است، پس بر اساس روایت فتحه «سبق» جایز و بر اساس روایت سکون جایز نیست. قول به جواز، علاوه بر شهرت روایی آن، موافق اصل نیز هست بویژه زمانی که هدف و مقصودی درست بر این اعمال مترتب گردد.» (زین الدین جبعی العاملی، مسالک الافهام، مکتبه بصیرتی، قم، ۱۴۱۳ق.، ج ۶، ص ۷۰)

این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که بسیاری از این مسابقه ها دارای اهداف خردمندانه و عاقلانه است که آنها را از تحت عنوان بیهودگی و سرگرمی بی فایده خارج می کند و برخی از فقها به این نکته اشاره کرده اند. محقق ثانی می گوید: «این موارد به خودی خود لهو و لعب به حساب نمی آیند.» (علی بن الحسین الکرکی، جامع المقاصد، مؤسسه آل البیت، قم، ۱۴۱۵ ق.، ج ۸، ص ۳۲۷)

البته باید دانست که اختلاف نظر در مسائل علمی امری اجتناب ناپذیر است اما به نظر می رسد که اگر این مسابقه ها بدون هیچ عوضی صورت پذیرد، جایز است؛ زیرا دلیلی بر حرمت آنها وجود ندارد چه این که اولاً: عنوان قمار بر آنها صدق نمی کند تا مشمول آیات و روایات نهی کننده از قمار و میسر گردد؛ یعنی در عرف انسانها و اهل لغت، به دو نفر که با یکدیگر کشتی می گیرند یا مسابقه فوتبال می دهند، قمارباز گفته نمی شود.

ثانیاً: در افعال انسان هرچند بی فایده بنماید، اصل اولی حلال بودن آنهاست، مگر این که از سوی شریعت، دلیل قاطع و محکمی برخلاف این قانون کلی اقامه شود؛ زیرا با شک در حرمت، چنین استدلال می کنیم که قبل از آمدن شریعت و یا ابتدای شریعت حلال بوده اند، پس اکنون هم همان حکم را مترتب کرده و حکم به حلال بودن آنها می نماییم.

ثالثاً: در بیشتر جوامع انسانی، مسابقه امری اجتناب ناپذیر است و در همه زمانها و مکانها، عالمان و غیر آنان در مسابقه های علمی یا ورزشی و مانند آن شرکت می کردند. این سیره در زمان معصومین علیهم السلام نیز جریان داشته است و نهی و منعی از سوی آنان متوجه چنین مسابقه هایی نشده است، در حالی که اگر این گونه مسابقات، حرام بود، امامان که بیانگر احکام شریعت هستند باید آن را بیان می کردند. بنابراین، این سیره مورد رضایت ایشان است و لااقل حرمت شرعی ندارد.

رابعاً: روایاتی در زمینه مسابقه میان امام حسن و امام حسین علیهما السلام رسیده است که برخی از آنها در باره کشتی گرفتن آن دو بزرگوار و بعضی درباره مسابقه خوشنویسی بین آنان و پاره ای در زمینه مسابقه ایشان در جمع کردن دانه های گردنبند حضرت زهرا علیها السلام است. (حسین نوری، مستدرک الوسائل، المكتبة الاسلامیة، تهران، ۱۳۸۲ق، ج ۱۴، ص ۸۱، حدیث ۱؛ محمد حسن نجفی، پیشین، ص ۲۲۱).

با ژرف نگری در دلیلهایی که برای حلیت این مسابقات بیان شد، نتیجه می گیریم که همه مسابقات امروزی که برد و باخت با غیر وسائل ویژه قمار صورت گیرد، حرام نخواهد بود. افزون بر این که در عصر حاضر، بر بسیاری از این مسابقه ها فوایدی مترتب می شود که مورد توجه عقل و مورد پسند عاقلان است.

در خصوص مشروعیت جوایز و پاداشهای مسابقات نیز باید به صورت های مختلف مساله توجه کرد. صورت اول آن است که این مسابقه ها که بدون وسائل قمار صورت می گیرد، اینگونه انجام پذیرد که از ابتدا دو طرف بازی یا بازیکنان مقداری پول یا کالا را گرو بگذارند و قرارداد نمایند که این پاداش برنده مسابقه است، این عمل به چند دلیل دارای حرمت تکلیفی (حرام بودن چنین قراردادی) و حرمت وضعی (حرام بودن تصرف در مال گرو گذاشته شده و ضمان آور بودن آن) است. آن ادله عبارتند از: صدق عنوان قمار، روایات و اجماع فقیهان. (محمد بن یعقوب کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۳۴۱؛ حرّ عاملی، پیشین، ج ۲، ص ۶۶۰؛ حسین نوری، پیشین، ج ۲، ص ۵۱۶؛ صلاح الدین الصفدی، الوافی بالوفیات، دار النشر، لبنان، ۱۴۱۱ق، ج ۹، ص ۳۵).

گونه دیگری از مسابقات، این است که هیچ یک از بازیکنان، عقد و قراردادی ننمایند، اگر چه مقدار پولی را در پایان به عنوان پاداش به دلخواه و رضایت خویش به فرد یا افراد برنده بدهند. روشن است که گرفتن این گونه پاداشها و جوایز، می تواند در ذیل عناوینی همچون نذر، عهد، وعد، هدیه و... قرار بگیرد و حلیت آن ثابت گردد؛ چه این که هیچ دلیلی بر حرمت آن وجود ندارد.

مساله دیگری که امروز در امر ورزش رایج هست برگزاری «جام ورزشی» است. صورت مساله عبارت از این است که در بسیاری از محله ها و شهرستانها، مسابقات فوتبال و والیبال بدین گونه برگزار می شود که فردی به عنوان مسؤول جام، اعلام می کند که چنین مسابقه هایی را برگزار خواهد کرد. بر اساس شرایط مقرر، تیمهای مختلف در این مسابقه ها شرکت می کنند و یکی از شرایط شرکت در این مسابقات این است که هر تیم و گروه شرکت کننده باید مقداری وجه نقد که مسؤولین جام تعیین کرده اند، بپردازند.

اکنون پرسش اصلی این است که آیا این گونه همراهی و گروگذاری سبب حرمت تکلیفی و وضعی می شود یا خیر؟ با توجه به آنچه در زمینه مسابقات ورزشی بیان شد، نحوه عملکرد در این گونه جامها دو گونه

است: گاهی مسؤول مسابقات، وجه نقد را دریافت می کند و پرداخت کنندگان شرط می کنند که این پول باید صرف پاداش به برندگان شود و او به اجبار و طبق این شرط باید چنین کاری را انجام دهد. در این صورت حکم روشن است؛ زیرا این مسابقات در زمره آن دسته از مسابقه هایی نیست که نص و دلیل ویژه ای در شریعت بر جواز آنها رسیده است و از سوی دیگر همراه برد و باخت هم می باشد. بنابراین، چنین عملی حرام است.

نوع دوم این است که مسؤول جام، این مبلغ را به عنوان مخارج برگزاری مسابقات می گیرد و دیگران نیز این وجوه را به این عنوان پرداخت می کنند، اگر چه وی در پایان به برندگان مثلاً اول تا سوم پاداش و جوایزی را اهدا می کند ولی شرط و عقدی صورت نگرفته است و چه بسا پولی که با آن جایزه تهیه می شود غیر از پولهایی است که تیمهای شرکت کننده پرداخت کرده اند. در این فرض دلیلی بر حرمت چنین عملی و برگزاری مسابقات وجود ندارد؛ زیرا افزون بر این که عنوان قمار بر آنها صدق نمی کند، بلکه اکل مال به باطل هم نیست؛ چه این که تیمهای شرکت کننده مقدار پول یا مالی را برای برگزاری و مخارج مسابقات، با رضایت در اختیار مسؤولین جام می گذارند.

فقیه بزرگ مرحوم صاحب جواهر گرفتن جایزه را در این مسابقه ها، روا می داند و می نویسد: «مقتضای تحقیق این است که این گونه مسابقه ها، در صورتی که به قصد عقد مسابقه برگزار شود، حرام و نادرست است، چه در آن برد و باخت باشد یا نباشد. به دلیل اصل، تا چه رسد به نهی روایت حصر، اما انجام دادن این گونه مسابقه ها، نه در قالب عقد مسابقه (بلکه بازی کردن بدون قرارداد) ظاهراً جایز است. اصل و سیره مستمره مسلمانان در تمام سرزمینها و زمانها، چه در میان عالمان و چه غیر عالمان بر این جواز دلالت می نماید. بلکه (می توان فراتر از این را گفت که) بعید نیست جایز بودن انجام چنین مسابقاتی و گرفتن جایزه و عوض در آنها، البته به عنوان وفای به وعده (نه عقد الزام آور) در صورتی که رضایت دو طرف بازی بر دادن جایزه، تا آخر بازی دوام داشته باشد، نه به عنوان عوض شرعی که الزام آور باشد.» (محمدحسن نجفی، پیشین).

برخی از فقیهان معاصر، راه حل شرعی دیگری برای اجرای مسابقات همراه با جایزه مطرح کرده اند که در صورت پذیرش راهگشای بسیاری از مسابقات خواهد بود: «پرداختن جایزه از سوی یکی از دو طرف بازی یا هر دو یا شخص دیگری، به برنده به عنوان وقف، نذر، وصیت یا شرط، صحیح است؛ به عنوان مثال به کسی که برنده می شود جایزه ای و یا به فرد برنده بیشتر و به بازنده مقدار کمتری جایزه بدهند که در آغاز

هیچ گونه عقد شرعی الزام آوری بسته نشده است و برنده تنها از راه وقف یا نذر یا... جایزه را دریافت می کند.» (سید محمد شیرازی، الفقه، مطبوعه سید الشهداء، قم، ۱۴۰۵ق، کتاب السبق و الرمايه، ص ۳۲۵).

۱- ابتدا دو طرف بازی یا بازیکنان مقداری پول

یا کالا را گرو بگذارند و قرارداد نمایند که این

پاداش برنده مسابقه است: حرام است.

۲- مسئول برگزاری مسابقات از تیمهای شرکت

کننده وجهی دریافت میکند با شرط اینکه آن وجه

به تیم برنده یا برندگان بدهد: حرام است

۳- مسئول برگزاری مسابقات از تیمهای شرکت

کننده وجهی جهت هزینه ها دریافت میکند و

شرط اینکه آن وجه به تیم برنده یا برندگان

بدهد؛ نمی کند: جایز است.

۴- مسئول برگزاری مسابقات هزینه ای از تیمهای

شرکت کننده نمی گیرد و شخص ثالث حقیقی یا

حقوقی جوایز را می دهد: جایز است.

حکم شرعی جوایز در

مسابقات ورزشی

اصول و آداب اخلاقی حاکم بر ورزش

امروزه ورزش در زندگی مردم دنیا نقش مهمی دارد. میلیون ها نفر به آن اشتغال دارند و چندین برابر آن نیز تماشاگر و طرفدار برنامه های مختلف ورزشی اند. ورزش در مواردی نیز استحکام بخش وحدت ملی و اجتماعی جوامع بوده و فضایل و رذایل رایج در آن منعکس کننده فضایل و رذایل حاکم بر آن جامعه است. (ر.ک: جمعی از نویسندگان، اخلاق کاربردی، ص ۴۲۹، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۸ش).

اخلاق ورزش یکی از موضوعات اخلاق کاربردی است که برای سنجش تصمیمات عملی اخلاقی و مواجهه با مسائل، رفتارها و سیاست های اخلاقی در حرفه ها، تکنولوژی، حکومت و غیره کاربرد دارد. (همان)

برخی ورزش را آن دسته فعالیت ها یا مهارت های عادی جسمانی دانسته اند که بر پایه یک رشته قوانین همگانی به هدف تفریح، مسابقه، نشاط شخصی، دست یابی به ورزشی، مهارت جویی یا آمیزه ای از این اهداف صورت می گیرد. در این جا، ورزش بر اساس هدف از آن تعریف شده است.

برخی از مهم ترین محورها و موضوعاتی که مجال طرح مباحث اخلاق ورزش قرار می گیرد، عبارت اند از: ارزش ها در ورزش، جوانمردی، رقابت و همکاری، بازی منصفانه، تقلب، مواد نیروزا، اخلاق هواداری و تماشاچی-گری، روابط اخلاقی میان مربی و ورزش-کاران و ... (ر.ک: همان، ص ۸۰ و ۴۱۷ - ۴۲۰).

افعال اخلاقی ارزشمند، برتر از ارزش های مادی است؛ به گونه ای که هر انسانی در برابر آن خضوع و احترام می کند، هر چند خود نتوانسته باشد بدان-ها عمل کند؛ به همین جهت، باید گفت: تمام آنچه در اخلاق عمومی وجود داشته و متناسب و قابل پیاده شدن در میدانی ورزشی بوده، باید مورد عمل قرار گیرد. به دیگر سخن؛ یک ورزشکار، علاوه بر جسم، به روح توجه نماید؛ زیرا میان تن و روان ارتباط نزدیکی وجود دارد، بدین جهت در اسلام، تنها به تربیت و پرورش جسم توجه نشده، بلکه به موازات جسم، به روح نیز توجه شده و دستورات فراوانی در زمینه تربیت و تقویت آن آمده است؛ مانند: روزه، نماز، دعا و ... و گرنه پرداختن به جسم به تنهایی دارای ارزش انسانی نبوده و انسان را از محدوده حیوانیت خارج نمی کند.

امام خمینی (ره) با تأکید بر این دو اصل اساسی، در دیدار با ورزشکاران می گویند: «ورزشکاران، به همان صورتی که ورزش جسمی دارند، ورزش روحی هم داشته باشند. از قدیم ورزشکاران ایران، به یاد خدا و علی (ع) بوده‌اند و این از برجستگی‌های آنان بوده است» (صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۱۵۱).

نکته مهم در این جا، این است که، هرکدام از سازمان ورزشی و ورزشکاران باید به وظایف اخلاقی خود آشنا بوده و آن را به تناسب در میادین ورزشی بکار ببرند؛ زیرا اگر سازمان ورزشی دارای قوانین و منشور اخلاقی نباشد، یک ورزشکار هم نمی تواند به وظایف خود آشنا بوده و خود را در زمینه ورزش متخلّق به اخلاق نماید.

در این بخش به برخی از وظایف و فضایل اخلاقی که یک ورزشکار باید آنها را در میادین ورزشی رعایت کند، اشاره می شود:

یک. **جهاد با نفس اماره و دوری از گناهان:** یعنی، مبارزه با هوا و هوس-های شیطانی که آدمی را به سوی گناه و معصیت فرا می خواند. یک ورزشکار باید - همانند هر انسان دیگری- با این هوس-های شیطانی مبارزه کرده و بر آنها غلبه کند.

در این باره احادیث زیادی از سوی معصومین (ع) وارد شده است که به برخی از آنها به عنوان نمونه اشاره می شود:

۱. رسول اکرم (ص) فرمود: نیرومند و قهرمان کسی نیست که در گشتی، رقیب خود را بر زمین زند، بلکه نیرومند کسی است که در موقع خشم، مالک نفس خود باشد. (مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۵۳، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق؛ حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، ص ۴۷، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ق؛ ابی فراس، ورام، مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۲۲، انتشارات مکتبه الفقیه، قم).

۲. رسول اکرم (ص) گذر کرد بر جمعیتی که بین آنها مرد پر قدرت و نیرومندی بود که سنگ بزرگی را از زمین بر می-داشت و مردم آن را سنگ زورمندان یعنی وزنه قهرمانان می-نامیدند و همه از عمل آن ورزشکار قوی درشگفتی بودند. رسول اکرم پرسید: این اجتماع برای چیست؟ مردم عمل وزنه برداری آن قهرمان را به عرض رساندند. آن حضرت فرمود: آیا به شما بگویم قوی تر از این مرد کیست؟ قوی تر از او کسی است که به وی دشنام گویند و تحمل نماید و بر نفس سرکش و انتقام-جوی خود غلبه کند و بر شیطان خویش و شیطان دشنام گو پیروز شود. (مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۰).

۳. امام علی (ع) می فرماید: هوای نفست دشمن ترین دشمنان تو است. کوشش کن که بر آن غالب و پیروز شوی و گر نه هلاکت خواهد کرد. (تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرالحکم و دررالکلم، ص ۳۰۶، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۶ش).

۴. امام موسی کاظم (ع): پیغمبر اکرم به سربازانی که از جبهه جنگ برگشته بودند فرمود: در گشایش و رحمت باشند مردمی که جهاد اصغر را انجام داده و جهاد اکبر به عهده آنان باقی مانده است. عرض شد یا رسول الله جهاد اکبر کدام است؟ فرمود: جهاد با نفس. (عاملی، شیخ حرّ، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۶۱).

دو. **گذشت و بخشش**: یک ورزش کار، باید دارای روحیه گذشت و بخشش باشد. وقتی در اوج قدرت و توانایی بوده و بر رقیب خود برتری و پیروزی یافته، بر او سخت نگیرد و در صدد انتقام جویی و صدمه زدن به حریف برنیاید. او باید عفو و گذشت را شکرانه پیروزی خویش قرار دهد.

امام علی (ع) در این زمینه می فرماید: «و خشم خود را فرو بنشان، و هنگام توانایی [از کیفر] بگذر، و در هنگام تندخویی بردبار باش، و با وجود تسلط داشتن [از انتقام] دوری کن، تا برایت پاداش و عاقبت [نیکویی] باشد». (نهج البلاغه، ص ۴۵۹).

سه. **پرهیز از تکبر**: ورزش کار، هر چند نیرومند باشد، نباید به قدرت، توان و مقاماتی که دارد مغرور شده و بر دیگران تکبر ورزد. او باید بداند همه نیروها و توان ها، از ناحیه خداوند قادر متعال است. از این جهت است که در نماز، به هنگام به پاخاستن می گوییم: «بحول الله و قوّه اقوم واقعد».

امام حسین (ع)، وقتی به لشکر انبوهی از دشمن حمله می برد می فرمود: «لا حول و لا قوّه الا بالله». (سید ابن طاوس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۱۹، نشر جهان، تهران، چاپ اول، ۱۳۴۸ ش).

خداوند متعال نیز، همین مطلب را در قرآن مجید تذکر داده و می فرماید: «...أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً...»؛ (بقره: ۱۶۵) تمام قدرت و نیرو، از آن خدا است.

پس دلیلی وجود ندارد که افراد نیرومند و ورزشکار به قوّت و توان خود تکبر ورزیده و مغرور شده و خدا را از یاد ببرند، و از آن نیرو و توان خدادادی در راه های غیر صحیح استفاده نمایند.

عاقبت غرور، شکست و سقوط است، شخص مغرور و متکبر، حریف را دست کم گرفته، احتیاط را از دست داده و در نتیجه شکست می خورد. همان طور که امام علی (ع) فرموده: «آفت انسان شجاع، ضایع کردن دوراندیشی است». (غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۵۹). و نیز: «آفت صاحب قوت و توانائی، ضعیف شمردن دشمن است». (همان، ص ۳۴۷).

چهار. رقابت شرافتمندانه و جوان مردانه: یکی از ویژگی ها در برخی از ورزش ها «رقابت» است. در مباحث اخلاقی رقابت فرد به فرد است که اهمیت و محوریت دارد. در همین رقابت است که مهارت های جسمی و روحی، توانایی ها و هم آهنگی ها باهم جمع می شوند و موجب رشد جسمی و روحی یک ورزشکار می شود.

شکل ایده آل ورزش این مسئله را که چه رقابتی می تواند به دوستی و رفاقت بینجامد، به خوبی به نمایش می گذارد. اگر یک ورزشکار به رقیب خود تنها به عنوان یک دوست نگاه کند و بداند که قصد تخریب او را ندارد و دشمن خود تلقی ننماید، بلکه او را مانند خود، فردی دارای توانایی ها و فضایل مشابهی ببیند، این رقابت به دوستی می انجامد و دیگر «بردن به هر قیمت»، حتی با فریب کاری، میانشان در کار نیست.

۱- جهاد با نفس اماره و دوری از گناهان

۲- گذشت و بخشش

۳- پرهیز از تکبر

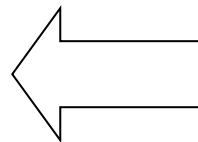
۴- رقابت شرافتمندانه و جوان

مردانه

فضایل اخلاقی

ورزشکاران

مورد تاکید اسلام



نتیجه گیری:

در این پژوهش اهمیت ورزش، مشروعیت مسابقات نوپیدای ورزشی، اصول و آداب حاکم بر ورزش مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. از جمله نتایج پژوهش آن است که اسلام با این موضوع که از زمره مهمترین پرسش های روز قیامت در خصوص سلامت و حفاظت از جسم است لذا ورزش که در راستای حفاظت از جسم و البته روح انسان است از اهمیت زیادی برخوردار است. همچنین باتوجه به اینکه از نظر اسلام حقی برای «بدن» قرار داده شده است می توان یکی از راهکارهای مهم حفظ سلامت بدن را ورزش دانست و لذا برای حفظ حقوق بدن نیز ورزش اهمیت بسزایی دارد. همچنین آن ورزش هایی که برای تقویت بنیه دفاعی و در مقابل دشمن کارایی دارد واجب و ضروری است و در مقابل ورزش هایی که به سلامت جسمی یا روحی انسان آسیب می رساند حرام و نامشروع است. برخی ورزش ها در اسلام مورد تاکید بیشتری بوده است مانند کشتی، اسب سواری، شنا، تیراندازی، پیاده روی، شمشیرزنی. لکن نباید تصور کرد مشروعیت ورزش ها در مصادیق پیش گفته است بلکه آنچه که از مصادیق جدید ورزشی وجود دارد با رعایت اصول و ضوابط شرعی بدون اشکال بلکه ممدوح و نیکو است. این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که بسیاری از این مسابقه ها دارای اهداف خردمندانه و عاقلانه است که آنها را از تحت عنوان بیهودگی و سرگرمی بی

فایده خارج می کند و برخی از فقها به این نکته اشاره کرده اند. برای مسأله جام های ورزشی و مسابقات ورزشی که امروزه اهداف ویژه ای نیز پیدا کرده است و اهدای جوایز از سوی فدراسیونها و نهادهای بین المللی و دولتی صورت می گیرد، در فقه شیعه راه حلهایی را می توان جست و بستر فتوا به حلّیت وضعی و تکلیفی این گونه مسابقات، در صورت برگزاری صحیح آنها فراهم است. همچنین از دیدگاه اسلام اصول و آداب اخلاقی بر ورزش حکم فرماست که عبارتند از: جهاد با نفس اماره، گذشت و بخشش، پرهیز از تکبر و رقابت شرافتمندانه و جوان مردانه. بنابراین و بارعایت چنین اصول اخلاقی و شرعی می توان ورزش را یک امر متعالی و مقدس قلمداد کرد که مورد تاکید، ترویج و تشویق اسلام نیز می باشد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه.

ابن طاوس، اللهوف علی قتلی الطفوف، نشر جهان، تهران، چاپ اول، ۱۳۴۸ ش.

ابی فراس، ورام، مجموعه ورام، انتشارات مکتبه الفقیه، قم، ۱۴۰۹ ق.

اسماعیل، عبدالعزيز، الاسلام والطب الحديث، مجله منبر الاسلام السنه الثامنه و العشرون، ربيع الأول ۱۳۹۰ - العدد ۳، ص ۱۲۷ تا ۱۳۰.

بحرانی، یوسف، الحقائق الناظره، دار الکتب الاسلامیه، نجف اشرف، ۱۳۷۷ ق.

پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، قم، انصاریان، ۱۳۸۳ ش.

تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.

جبعی العاملی، زین الدین، مسالک الافهام، مکتبه بصیرتی، قم، ۱۴۱۳ ق.

جمعی از نویسندگان، اخلاق کاربردی، تهران، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۸ ش.

حجتی، سید محمدباقر، مسایل تربیتی اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳ ش.

حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ ق.

حرعاملی، شیخ جعفر، وسائل الشیعه، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ ق.

حسینی شیرازی، سید محمد، الفقه، مطبعه سید الشهداء، قم، ۱۴۰۵ ق.

حکیمی، محمدرضا، الحیاه، قم، دلیل ما، ۱۳۹۵ ش.

سیستانی، سیدعلی، قاعده لاضرر و لاضرار، قم، دفتر آیت الله سیستانی، ۱۴۱۴ ق.

- شاه عبدالعظیمی، سیدحسین، تفسیر اثنی عشری، تهران، آذرنیا، ۱۳۹۳ش.
- الصفدی، صلاح الدین، الوافی بالوفیات، دار النشر، لبنان، ۱۴۱۱ ق
- طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، موسسه جهانی سبطین، ۱۳۹۵ش.
- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامی، ۱۴۰۷ق.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دارالحديث، ۱۳۸۷ش.
- موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹ش.
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ش.
- نوری، حسین، مستدرک الوسائل، المكتبة الاسلامیة، تهران، ۱۳۸۲ق.
- قوانین
- قانون تشدید مجازات کبوترپرانی مصوب ۱۳۵۱
- قانون الحاق یک تبصره به قانون تشدید مجازات کبوترپرانی مصوب ۱۳۵۱
- قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵